

## مقایسه سنن اجتماعی تمدن ساز انبیا و طاغوتیان از دیدگاه قرآن

محمد ناصر سقای بی‌ریا

استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \* قم، ایران.

Biria1390@gmail.com

### چکیده

در این مقاله سنن اجتماعی تمدن‌ساز انبیای عظام و سنن اجتماعی طاغوتیان از دیدگاه قرآن کریم مورد مطالعه قرار می‌گیرد. قرآن کریم به سنن اجتماعی انبیای عظام به‌عنوان سنن جاری نقش‌آفرین در گذشته، حال و آینده امت واحده می‌نگرد. این سنت‌ها را به شکل عام می‌توان سنن اجتماعی تمدن‌ساز و به لحاظ آرمان‌های معطوف به آینده، سنن اجتماعی تمدن نوین اسلامی نامید.

این مقاله از روش توصیف و تحلیل آیات قرآن کریم با روش تفسیری و اجتهادی و در صورت نیاز، از نهج‌البلاغه و دیگر روایات و احیاناً از نظریه‌ها و دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان بهره می‌گیرد.

سؤال این است که از دیدگاه قرآن کریم، سنت‌های اجتماعی تمدن‌ساز انبیای عظام که در ادامه به تشکیل تمدن نوین اسلامی می‌انجامد و در

برابر آن‌ها، سنت‌های اجتماعی طاغوتیان، چه بوده است؟ این بررسی نشان می‌دهد که سنن اجتماعی تمدن‌ساز انبیای عظام شامل ۱. اکرام انسان‌ها در برابر خوار شمردن، ۲. هدایتگری در برابر گمراه کردن، ۳. عدالت‌گستری در برابر دعوت به ستم، ۴. دعوت به فضیلت و آبادگری در برابر فساد و تبهکاری می‌شود. از دیدگاه قرآن، سنت‌های تمدن‌ساز انبیا در نهایت بر سنت‌های طاغوتیان غلبه خواهد کرد و به تشکیل حکومت عدل الهی در سراسر جهان و تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد انجامید.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، سنن اجتماعی، تمدن‌سازی، تمدن نوین اسلامی، انبیا، طاغوتیان.

#### مقدمه

انقلاب اسلامی توانسته است حکومتی مبتنی بر قرآن کریم و آموزه‌های اسلام در جهان معاصر را به وجود آورد. این انقلاب را باید حلقه‌ای از حرکت انبیای الهی و خاتم‌الانبیاء<sup>ﷺ</sup> به حساب آورد که با استفاده از سنت‌های اجتماعی تمدن‌ساز انبیای الهی، می‌تواند زمینه‌ساز تمدن نوینی باشد که قرآن کریم وعده آن را به بندگان صالح خود داده است. پایه‌های این تمدن نوین را باید در جهان‌بینی الهی انبیا و پیروان راستین آن‌ها و در درجه بعد و مبتنی بر آن، در سنت‌های اجتماعی آنان جست‌وجو کرد. امام خمینی<sup>ﷺ</sup>، رهبر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در مصاحبه با خبرنگار امریکایی یو. پی درباره آزادی زندانیان سیاسی معتقد است اسلام خود از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده و هر کشوری که به قوانین اسلام عمل کند بدون شک از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد شد (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۵: ص ۲۰۴).

با توجه به اینکه قرآن کریم روشن‌ترین و محکم‌ترین سند آموزه‌های الهی اسلام است، رجوع به قرآن کریم در این زمینه نقطه اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. امیرالمؤمنین علی<sup>ﷺ</sup> قرآن کریم را روش و برهانی محکم می‌داند که در آن هیچ‌گونه گمراهی نیست؛<sup>۱</sup> بنابراین، استفاده از قرآن کریم برای این بحث تمدنی از متقن‌ترین و

۱. «وَمِنْهَا جَا لَأُضِلُّ نَهْجَهُ... وَ قُرْآنًا لَأُخَمَدُ بِرُهَانِهِ...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۸).

مطمئن‌ترین روش‌ها و هدایت‌یافته‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود. این مقاله سنت‌های اجتماعی تمدن‌ساز انبیای الهی را از دیدگاه قرآن کریم، که به گستردگی به آن پرداخته است، مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در این مقاله از روش توصیف و تحلیل آیات قرآن کریم و در صورت نیاز، از نهج‌البلاغه و دیگر روایات با روش تفسیری و اجتهادی و در بعضی موارد، از نظریه‌ها و دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان بهره خواهیم گرفت.

برخی از جامعه‌شناسان منابع امور اجتماعی را به دو بخش منابع مشترک اجتماعی ملموس و میراث غیرملموس مانند صلح، امنیت، و علم تقسیم کرده‌اند. میراث غیرعینی، به‌ویژه سنن اجتماعی که به منظور تنظیم روابط انسان‌ها و چگونگی معاشرت در شهرها و آداب اجتماعی به‌وجود آمده، بخش مهمی از تمدن‌ها را تشکیل می‌دهد (اوستروم، ۲۰۱۰<sup>۱</sup> به نقل از: نوکسی، ۲۰۱۴: ص ۴۰۲). یوکیچی (۱۳۷۹: ص ۱۱۹ به نقل از بهروزی لک، ۱۳۹۷) نیز برای تمدن دو سطح مادی و معنوی قائل است که سطح معنوی به‌مثابه زیربنای تحقق تمدن، مانند موتور محرکه عمل می‌کند و براساس نیازهای موجود، به صورت‌های مادی تمدن شکل می‌دهد.

مقام معظم رهبری نیز به این بخش از تمدن اسلامی در تعریف تمدن اسلامی اشاره کرده‌اند: «تمدن اسلامی، یعنی آن فضایی که انسان در آن از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد؛ انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴).

براساس این تعریف، سنن اجتماعی تمدن‌ساز انبیای الهی منطبق بر عوامل غیرمادی تمدن اسلامی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. از منظری دیگر، این سنن اجتماعی بخشی از فرهنگ انبیاست که بنیان اساسی تمدن

1. Ostrom
2. Larry Nucci

به حساب می‌آید. ذوعلم می‌گوید: «بنیان اساسی عینیت یافتن یک تمدن، فرهنگی است که زیربنای آن تمدن است» (۱۳۹۷، ج ۲: صص ۳۱-۳۰). فرهنگ از نظر آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، ریشه و بنیان هویت اجتماعی انسان‌هاست که بدون اصلاح و رشد و تعالی آن، جامعه نمی‌تواند از حرکت و تحول مثبتی برخوردار شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸). وی در ادامه می‌گوید شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نیز بدون تحقق فرهنگ اسلامی مطلوب، مقدور نخواهد بود.

بنابراین، بحث‌های تمدنی از دیدگاه قرآن کریم را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ بخش اول، بحث‌های ناظر به مظاهر عینی تمدن و بخش دوم، بحث‌های ناظر به مظاهر غیرعینی تمدن. تمدن می‌تواند ناظر به جلوه‌های مادی از قبیل آثار امت‌ها با استفاده از فناوری‌های عصر خود در شهرها باشد. این جلوه‌ها که انعکاسی عینی از روش‌های زندگی و چگونگی استفاده از امکانات شهری برای زندگی است، برحسب معمول در زمره آثار تاریخی و تمدنی رده‌بندی می‌شوند. قرآن کریم آثار مادی امم گذشته را از بابت عبرت‌انگیز بودن و نشان‌دادن سرنوشت آن‌ها موردنظر قرار داده است و به این گونه آثار از دو جنبه معنوی و مادی می‌نگرد و از رهگذر آن، بی‌اعتباری ماهیت دنیا و گذرا بودن آن را به رخ می‌کشد. حتی در حکومت‌هایی نظیر حکومت حضرت سلیمان و یوسف علیهم‌السلام به بی‌اعتباری دنیا و هدف بودن اجر آخرت تأکید می‌کند<sup>۱</sup> اما در بحث‌های ناظر به مظاهر غیرعینی تمدن، قرآن به تفصیل به سنت‌های اجتماعی انبیای الهی پرداخته است.

در این مقاله، ابعاد غیرعینی تمدن‌ها در میراث اجتماعی انبیای الهی، که ظرفیت تمدن‌سازی نوین اسلامی را در خود دارد، با عنوان «سنن اجتماعی تمدن‌ساز انبیا» در برابر میراث اجتماعی طاغوتیان مورد بحث قرار می‌گیرد.

سنن اجتماعی تمدن‌های مادی به لحاظ دنیاطلبی، که یک رویکرد مشترک در همه طاغوت‌ها و امت‌های منکر حق بوده، ادامه یافته و امروز در تمدن مادی غرب خود را نشان داده است و سنن اجتماعی تمدن الهی انبیا در زنجیره‌ای به هم پیوسته از انبیای عظام و پیروان راستین آنان نیز همچنان ادامه یافته است.

۱. «وَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (یوسف: ۵۷).

قرآن کریم به نتایج سنن اجتماعی تمدن الهی انبیای عظام در نهایت سیر و آینده اشاره دارد که زنده بودن و تأثیر این سنت‌ها را در ساخت آخرین و کامل‌ترین تمدن الهی توسط اسلام، به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین نسخه دین، مورد تأکید قرار می‌دهد. این آیات به وعده الهی در مورد به ارث بردن زمین توسط انسان‌های صالح پرداخته است که در بخش نهایی، با عنوان «تمدن نوین اسلامی» مورد بحث قرار می‌گیرد.

سنت گاه به معنای شیوه‌های پایدار برخورد خدای متعال با امت‌ها و گاه به معنای روش‌های امت‌هاست (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، بخش دوازدهم: سنت‌های الهی در تدبیر جوامع). سنت‌های اجتماعی انبیا و نیز سنت‌های اجتماعی طاغوتیان از مصادیق معنای دوم سنت هستند و دو تمدن با رویکرد معنوی و مادی یا آخرتی و دنیایی به وجود آورده‌اند. این دو تمدن که در بسیاری از ویژگی‌ها با هم تضاد دارند، هر یک اوج و حضيض‌هایی را تجربه کرده‌اند، ولی به لحاظ شکننده بودن، باطل در برابر حق<sup>۱</sup> در نهایت، غلبه با تمدن انبیا خواهد بود. امیرالمؤمنین علی<sup>ع</sup> در آخرین خطبه خود، کمتر از یک هفته قبل از شهادت، به عاقبت شکننده تمدن‌های مادی اشاره می‌کنند: «برای شما در قرن‌های گذشته عبرتی است. کجا هستند انسان‌های غول‌آسا (عمالقه) و فرزندان غول‌آسیان؟ کجا هستند فرعون‌ها و فرزندان فرعون‌ها؟ کجا هستند یاران شهرهای رس که پیامبران را می‌کشتند و سنت‌های مرسلین را خاموش می‌کردند و سنت‌های جبارین را زنده می‌کردند؟ و کجا هستند کسانی که لشکرها به راه می‌انداختند و هزاران هزار را شکست می‌دادند و ارتش‌ها ترتیب می‌دادند و شهرها می‌ساختند».<sup>۲</sup>

در این فراز، امیرالمؤمنین<sup>ع</sup> از نابود شدن فرعونیان و نسل آن‌ها و عمالقه و نسل آن‌ها

۱. «بَلْ نَقْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ» (انبیاء: ۱۸): «بلکه ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد و این‌گونه، باطل محو و نابود می‌شود! اما وای بر شما از توصیفی که (درباره خدا و هدف آفرینش) می‌کنید!»؛ «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱): «و بگو حق آمد و باطل نابود شد؛ یقیناً باطل نابودشدنی است!».

۲. «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِبْرَةً، أَيُّنَ الْعَمَالِقَةِ وَ أَيْنَ الْعَمَالِقَةِ؟ أَيْنَ الْفِرَاعِنَةِ وَ أَيْنَ الْفِرَاعِنَةِ؟ أَيْنَ الْأَصْحَابِ مَدَائِنِ الرَّسِّ الَّذِينَ قَتَلُوا النَّبِيِّينَ وَ أَطْفَأُوا سُنْنَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَحْيَوْا سُنْنَ الْجَبَّارِينَ؟ أَيْنَ الَّذِينَ سَارُوا بِالْجَبُوشِ وَ هَزَمُوا الْأُلُوفَ بِالْأُلُوفِ وَ عَسَكُرُوا الْعَسَاكِرَ وَ مَدَّنُوا الْمَدَائِنَ» (نهج البلاغه: خطبه ۱۸۲).

یعنی ریشه‌کن شدن آن‌ها یاد می‌کنند. همچنین، اشاره به سنن اجتماعی آن‌ها دارند که به وسیله آن‌ها می‌خواستند سنن مرسلین را خاموش و روش‌های جبارین را احیا کنند. برخی از جامعه‌شناسان غربی به دیرپا بودن تمدنی که اسلام بنیان نهاده است اقرار کرده‌اند. به‌عنوان مثال، استیرن می‌گوید: «ما به شکل طبیعی تمدن خاورمیانه را به ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد برنمی‌گردانیم (هنگامی که تمدن بین‌النهرین شکل گرفت)، بلکه آن را به ظهور اسلام مرتبط می‌کنیم که به تمدن شکل قطعی داد که تا به امروز نیز از بسیاری جهات آن را نگاه داشته است. این اسلام بود که به تمدن شکل قطعی داد؛ شکلی که به شیوه‌های زیادی امروز حفظ شده است» (۲۰۰۳: ص ۳۴).

از دیدگاه قرآن کریم، مبنای تمدن طاغوتیان گمراه‌کردن قومشان بوده<sup>۱</sup> و مبنای تمدن انبیا هدایت به سوی سعادت حقیقی آنان بوده است.<sup>۲</sup> قرآن کریم علت فرستادن پیامبران و کتاب و سنن الهی را برپا داشتن عدالت و یاری انبیا در برابر ظالمان و ستمگران می‌داند.<sup>۳</sup> بنابراین، دو دسته از سنن اجتماعی در قرآن کریم قابل تفکیک است؛ یکی سنن اجتماعی تمدن‌های مادی و دیگری سنن اجتماعی تمدن انبیا.

### سنن اجتماعی تمدن‌ساز انبیا

سنت‌های عمومی و فرهنگی انبیای الهی در همه جوامع قابل مشاهده است. به شکل

۱. «وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ» (طه: ۷۹): «و فرعون قومش را گمراه کرد و هدایت نکرد. فرعون قوم خود را گمراه ساخت و هرگز هدایت نکرد!». همچنین، بر اثر این گمراهی می‌فرماید: «يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدَ الْمَوْرُودُ» (هود: ۹۸): «روز قیامت، او در پیشاپیش قومش خواهد بود و (به‌جای چشمه‌های زلال بهشت) آن‌ها را وارد آتش می‌کند! و چه بد آبشخوری است (آتش)، که بر آن وارد می‌شوند!».

۲. «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (بقره: ۲ و ۵): «آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است. آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارانند».

۳. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵): «به راستی ما رسولانمان را با آیات روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و ترازو فرستادیم تا مردم عدالت را برپا دارند و آهن را آفریدیم که در آن صلابتی شدید است و منافی برای مردم و برای آن که خدا بداند کسانی را که او را و رسولان او را به غیب یاری می‌کنند؛ به راستی خداوند قدرتمند و شکست‌ناپذیر است».

کلی، خدای متعال به رعایت عدالت و همه نیکی‌ها امر و از همه کارهای زشت و ناپسند و ظلم نهی می‌کند.<sup>۱</sup> محمد مولوی معتقد است می‌توان علل و عوامل ایجاد و رشد و نمو جوامع و اجتماعات بشری را از یکسو، و علل و عوامل انحطاط و سقوط آن‌ها را از سوی دیگر از قرآن کریم استنباط کرد (۱۳۹۷، ج ۲: ص ۳۴۳). وی براساس آیات قرآن، علل شکوفایی یا انحطاط جوامع و تمدن‌ها را اراده و اختیار افراد آن جوامع می‌داند و به نقل از قرشی (۱۳۷۷) به برخی از سنن اجتماعی انبیا مانند پرهیز از ظلم و تجاوز اشاره می‌کند و آن را سبب برخورداري جوامع بشری از موهبت‌های بیکران آسمان و زمین می‌داند. در ادامه به شرح چهار سنت از سنت‌های تمدن‌ساز انبیا و در برابر آن‌ها، سنت‌های طاغوتیان می‌پردازیم. شایان ذکر است که برخی از این سنت‌ها ممکن است شامل سنت‌های فرعی دیگری هم بشوند که در ضمن به آن‌ها نیز اشاره خواهد شد.

#### ۱. اکرام انسان‌ها در برابر خوار شماردن آنان

خدای متعال انسان را به شکل ذاتی برتر از موجودات دیگر آفریده و گوشزد می‌کند که ما انسان را تکریم کردیم و او را در دریا و خشکی حمل کردیم و از روزی‌های پاکیزه به او دادیم؛<sup>۲</sup> اما کرامت انسان لازم است با اعمال اختیاری حفظ شود و گرنه خطر سقوط و هبط اعمال وجود دارد. همچنین، به دلیل نیازهای فراوان افراد به یکدیگر، این کرامت در اجتماع و به کمک یکدیگر رخ می‌دهد.

از جمله آثار اکرام انسان‌ها در اسلام آن است که به رعایت همسایه، هر چند همسایه دور باشد، اهمیت داده شده و در کنار دیگر سنت‌های الهی روی آن تأکید شده است.<sup>۳</sup>

۱. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰): «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید!».

۲. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَجْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰): «ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.».

۳. «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (النساء: ۳۶): «او خدا را بپرستید!

امان دادن و در سایه حمایت قراردادن که از آن نیز به جوار تعبیر شده که از نظر ریشه با همسایگی یکی است، نوعی گسترش این مفهوم در روابط عام‌تر اجتماعی است.<sup>۱</sup> رعایت همسایگی و جوار یکی از سرمایه‌های اجتماعی جامعه انسانی است که توسط انبیای الهی پایه‌گذاری شده و لازم است در جامعه بشری رعایت شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده که همسایگی نیک باعث زیادی روزی می‌شود.<sup>۲</sup> براساس این روایت، خوب همسایگی کردن موجب رونق کسب و کار و در نتیجه، افزایش روزی می‌شود. به این حقیقت در روایت دیگری از آن حضرت تصریح شده که خوب همسایگی کردن باعث آبادی شهرها و زیاد شدن عمرها می‌شود.<sup>۳</sup> از مجموع این دو روایت می‌توان استنباط کرد که رعایت همسایگی روزی‌ها را زیاد می‌کند، یعنی رونق اقتصادی را به جامعه ارزانی می‌دارد و این رونق اقتصادی باعث آبادی شهرها و برپایی تمدن مطلوب می‌شود.

در برابر این سنت انبیا یکی از سنن اجتماعی طاغوت‌ها پایین آوردن منزلت انسان‌هاست تا از آن‌ها اطاعت بی‌چون و چرا داشته باشند. مسئله ارباب و رعیتی و سلطه ارباب بر رعیت به این هدف بوده که ارباب فعال مایشاء باشد و هر کاری بخواهد بتواند با رعیت انجام دهد؛ زیرا آن‌ها انسان‌های پستی هستند و ارباب شرافت دارد. قرآن کریم می‌فرماید یکی از روش‌های فرعون خوارشمردن قوم خود بود تا احساس حقارت کرده و از وی اطاعت کنند.<sup>۴</sup> این دیدگاه که از منظر قرآن کریم مردود

و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید؛ همچنین، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و همسایه دور، و دوست و همنشین، و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آن‌ها هستید؛ زیرا خداوند کسی را که متکبر و فخر فروش است (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند)، دوست نمی‌دارد».

۱. «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (التوبة: ۶): «و اگر یکی از مشرکین از تو (ای پیامبر) طلب جوار و در حمایت درآوردن نمود، پس به او امان بده و او را در جوار حمایت خود بگیر تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به جایگاه امن خودش بازگردان؛ این به این سبب است که آن‌ها گروهی هستند که نمی‌دانند».

۲. «الْإِمَامُ الصَّادِقُ علیه السلام: حُسْنُ الْجَوَارِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ» (میزان الحکمه ج: ۱، ص: ۴۸۶، به نقل از أمالی الصدوق: ۲۹۴ / ۱۰).

۳. «عنه علیه السلام: حُسْنُ الْجَوَارِ يُعَمِّرُ الدِّيَارَ، وَيَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ» (همان، به نقل از: الزهد للحسين بن سعيد: ۴۳ / ۱۱۵).

۴. «فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف: ۵۴): «(فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند!».



است، جزء سنن اجتماعی تمدنی طاغوت‌ها بوده که امروز نیز با همان ماهیت در قالب‌های جدید و با نام‌های دیگر ادامه یافته است. طبقه‌ای برتر از نظر قدرت، منابع، و به‌ویژه تأثیرگذاری جهانی به‌وجود آمده که در لباس غول‌های صنعتی در حال شکل دادن دوبارهٔ سیارهٔ ما هستند (روتکف، ۲۰۰۹: ص ۷۱). این طبقهٔ برتر با ثروت‌های افسانه‌ای اقلیتی هستند که در قصرها زندگی می‌کنند و با جت‌های خصوصی پرواز می‌کنند و تنها با مانند خودشان ارتباط می‌گیرند و چیزی که برای آن‌ها مطرح نیست فقر و مردم معمولی هستند، یعنی همان پست و خوار کردن دیگران تا از آن‌ها اطاعت شود. ریشهٔ استعمار و استثمار انسان‌ها عدم اعتقاد مستکبران به ارزش انسان‌ها و پست دانستن آنان است.<sup>۱</sup>

با وجود پست شمردن مردم، فرعون شیوه‌ها و از جمله سنن اجتماعی و مدنی خود را راهی مثال‌زدنی و نمونه معرفی می‌کند و هنگامی که موسی علیه السلام قیام می‌کند، تهمتی که به او می‌زنند این است که او می‌خواهد راه مثال‌زدنی و نمونهٔ آن‌ها را از بین ببرد. حضرت موسی که از پشتیبانی الهی برخوردار بود، روز زینت را برای هم‌اوردی با ساحران انتخاب کرد که یکی از مظاهر تمدن مصر بود و آن روزی بود که همهٔ مردم به جشن و آیین‌بندی می‌پرداختند. این انتخاب شاید از این جهت بود که در این جشن ملی، همه شرکت می‌کردند و حضرت موسی در نظر داشت که فرعون را هنگام اوج ظهور مظاهر تمدنی‌اش شکست بدهد و به‌این‌ترتیب، تمدن وی را سرنگون کند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «خدای متعال موسی را مأمور کرد به همراه برادرش هارون به سوی فرعون، که طغیان کرده است، بروند و درعین‌حال، با نرمی با او سخن بگویند شاید تحت‌تأثیر قرار گیرد. با اینکه موسی و هارون از طغیان فرعون می‌ترسیدند، خدای متعال به آن‌ها دل‌داری داد که من همراه شما هستم، نترسید بروید و بگویید ما دو فرستادهٔ خدا هستیم، بنی‌اسرائیل را با ما بفرست! ما نشانه‌ای از سوی خدا آورده‌ایم. پس از آنکه فرعون استدلال‌های آن دو را شنید و آیات الهی را دید، همه را تکذیب کرد و به موسی گفت آیا

۱. «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف: ۵۴): «پس قومش را خوار شمرد، پس آن‌ها او

را اطاعت کردند، آن‌ها قومی تبهکار بودند».

تو آمده‌ای که با سحر خود ما را از سرزمین خود بیرون کنی؟ آنگاه تقاضای وعده‌گاهی برای هماوردی کرد که موسی روز زینت را پیشنهاد کرد و در ضمن آن‌ها را از تکذیب حق و بهتان ترسانید. فرعون مشاوران خود را جمع کرد، ولی بین آن‌ها اختلاف افتاد؛ درنهایت، گفتند این‌ها دو ساحر هستند که می‌خواهند شما را از سرزمینتان بیرون کنند و روش برتر و مثال‌زدنی شما را از بین ببرند» (طه: ۵۶-۴۳).

## ۲. هدایتگری در برابر گمراه کردن

یکی دیگر از سنت‌های پیامبران هدایتگری بوده است. خدای متعال در این‌باره خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: «ای اهل کتاب! پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می‌کردید روشن می‌کند، به‌سوی شما آمد و از بسیاری از آن (که فعلاً افشای آن مصلحت نیست) صرف‌نظر می‌نماید. (آری) از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به‌سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به‌سوی روشنایی می‌برد و آن‌ها را به‌سوی راه راست رهبری می‌کند»<sup>۱</sup>.

هدایت انسان‌ها از راه دعوت به اطاعت خدا، نیکی و فضیلت شکل می‌گیرد. اطاعت از خدای متعال که در قرآن کریم با صفت رحمان و رحیم و نیک<sup>۲</sup> نامیده شده، پیشران تمدن انبیاست. دین نزد خدای متعال تسلیم در برابر خدای متعال است و بندگان را در مورد آن مورد محاسبه سریع قرار می‌دهد.<sup>۳</sup> انسان‌ها به آن علت که خدای

۱. «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ. يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مائده: ۱۶-۱۵).

۲. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (الفاتحه: ۱): «به نام خداوند بخشنده بخشایشگر»؛ «إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلٍ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ» (طور: ۲۸).

۳. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (آل عمران: ۱۹): «دین در نزد خدا اسلام و تسلیم بودن در برابر حق است و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به‌خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد خدا به حساب او می‌رسد؛ زیرا خداوند، سریع‌الحساب است».

متعال کسی است که آن‌ها را آفریده و همه نعمت‌ها را به آن‌ها ارزانی داشته باید خدا را بپرستند و از او اطاعت کنند.<sup>۱</sup> بندگی خدای متعال هدف آفرینش انسان معرفی شده است.<sup>۲</sup> بندگی انسان‌ها را به عالی‌ترین کمال و قرب الهی نائل می‌کند؛ زیرا خدای متعال می‌فرماید خداوند انسان‌ها را برای رسیدن به رحمت خود آفریده است.<sup>۳</sup>

نیکی در اسلام به‌عنوان یک آرمان اجتماعی مطرح است.<sup>۴</sup> خدای متعال وعده‌های خود را برای نیکان قرار داده است،<sup>۵</sup> به‌گونه‌ای که آن‌ها در جهان آخرت در بهترین نعمت‌های الهی و فاسدان در عذاب به‌سر می‌برند.<sup>۶</sup> نیکی به‌عنوان یک ارزش اجتماعی حتی از سوی منافقان مورد ادعا قرار می‌گیرد.<sup>۷</sup> قرآن کریم اطاعت بی‌چون از بزرگان و شخصیت‌های اجتماعی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و علت ضلالت گروهی از اهل آتش را اطاعت از آنان می‌داند؛ درعین‌حال، با توجه به اختیار انسان‌ها، هر دوی مطیع و

۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۲-۲۱): «ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید، آن کس که زمین را بستر شما و آسمان [= جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به‌وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد؛ بنابراین، برای خدا همتیانی قرار ندهید؛ درحالی‌که می‌دانید هیچ یک از آن‌ها، نه شما را آفریده‌اند و نه شما را روزی می‌دهند».

۲. «وَمَا خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶): «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند!)».

۳. «إِنَّا مِنْ رَحْمِ رَبِّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (هود: ۱۱۹): «مگر کسی را که پروردگارت رحم کند! و برای همین (پذیرش رحمت) آن‌ها را آفرید! و فرمان پروردگارت قطعی شده که جهنم را از همه (سرکشان و طاغیان) جن و انس پر خواهم کرد!».

۴. «... وَتَوَفَّقْنَا مَعَ الْآبِرَارِ» (آل عمران: ۱۹۳): «و ما را با نیکان (و در مسیر آن‌ها) بمیران!».

۵. «... وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْآبِرَارِ» (و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است!) (آل عمران: ۱۹۸).

۶. «إِنَّ الْآبِرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (انفطار: ۱۴-۱۳): «به یقین نیکان در نعمتی فراوانند و بدکاران در دوزخ‌اند».

۷. «فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا» (نساء: ۶۲): «پس چگونه وقتی به‌خاطر اعمالشان گرفتار مصیبتی می‌شوند، سپس به سراغ تو می‌آیند، سوگند یاد می‌کنند که منظور ما از بردن دآوری نزد دیگران، جز نیکی کردن و توافق (میان طرفین نزاع) نبوده است؟!».

اطاعت شده را محکوم می‌داند.<sup>۱</sup> روز قیامت هر امامی با گروه پیرو خود به صحنه قیامت می‌آید؛ چه امام هدایت، چه امام ضلالت.<sup>۲</sup> قرآن کریم مؤمنان را امر می‌کند که از خدا و رسول خدا که عصمت دارد و صاحبان امر که منطبق بر ائمه معصومین می‌شود اطاعت کنند<sup>۳</sup> و نیز پیامبر گرامی اسلام الگوی نیکو برای کسانی که ایمان به خدا و امید به آخرت دارند معرفی شده است. رسیدگی به مستمندان و اطعام و پوشاندن آنان و اکرام و رسیدگی به یتیمان<sup>۴</sup> نیز از آموزه‌های عام و سرمایه اجتماعی-معنوی پیامبران خداست.

فضیلت طلبی یکی از آموزه‌های تمدنی انبیاست؛ اولاً، فضیلت در دست خداست، او

۱. «قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۸):

«(خداوند به آنها) می‌گوید: در صف گروه‌های مشابه خود از جن و انس در آتش وارد شوید! هر زمان که گروهی وارد می‌شوند، گروه دیگر را لعن می‌کنند؛ تا همگی با ذلت در آن قرار گیرند. (در این هنگام) گروه پیروان درباره پیشوایان خود می‌گویند: خداوند! این‌ها بودند که ما را گمراه ساختند؛ پس کیفر آن‌ها را از آتش دو برابر کن! (کیفری برای گمراهی‌شان و کیفری به‌خاطر گمراه ساختن ما). می‌فرماید: برای هر کدام (از شما) عذاب مضاعف است؛ ولی نمی‌دانید! (چراکه پیروان اگر گرد پیشوایان گمراه را نگرفته بودند، قدرتی بر اغوای مردم نداشتند).

۲. «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا» (الإسراء: ۷۱): (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند و به قدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود!؛ «يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ» (هود: ۹۸): «روز قیامت، او در پیشاپیش قومش خواهد بود و (به‌جای چشمه‌های زلال بهشت) آن‌ها را وارد آتش می‌کند! و چه بد آبشخوری است (آتش)، که بر آن وارد می‌شوند!».

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء: ۵۹): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [ اوصیای پیامبر ] را! و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آن‌ها داوری بطلبید)، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این (کار) برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.».

۴. «كُلًّا بَلَّ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (الفجر: ۱۷-۱۸): «چنان نیست که شما می‌پندارید؛ شما یتیمان را گرامی نمی‌دارید و یکدیگر را بر اطعام مستمندان تشویق نمی‌کنید!»؛ «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» (الضحی: ۱۰-۱۱): «حال که چنین است یتیم را تحقیر مکن و سؤال‌کننده را از خود مران.».

دارای فضل عظیم است<sup>۱</sup> و انسان‌ها باید برای رسیدن به فضل الهی تلاش کنند و هدفشان از کمک به یکدیگر و انجام کارها از جمله آبادانی زمین و خدمت به بندگان خدا رسیدن به فضل الهی باشد. خدای متعال در زندگی خانوادگی عفو را به تقوا نزدیک‌تر می‌داند و می‌فرماید فضیلت را بین خود فراموش نکنید.<sup>۲</sup> خداوند حتی در هنگام اشتباه فضل خود را شامل حال مؤمنان می‌کند. به‌عنوان مثال، هنگامی که گروهی از مؤمنان در جنگ احد تنگه را رها کردند، خداوند دشمن را دفع کرد و از آن‌ها درگذشت؛ زیرا فضل خداوند شامل حال مؤمنان می‌شود.<sup>۳</sup> این حقیقت باعث می‌شود مؤمنان خدا را پشتیبان خود بدانند به او توکل کنند و به نعمت‌های الهی و فضل وی نائل شوند و همواره به دنبال کسب رضایت خدا، که دارای فضل عظیم است

۱. «رَبُّكُمْ قُلٌّ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (آل عمران: ۷۴-۷۳): «بگو: فضل (و موهبت نبوت و عقل و منطق، در انحصار کسی نیست؛ بلکه به‌دست خداست و به هر کس بخواهد (و شایسته بداند)، می‌دهد؛ خداوند، واسع [= دارای مواهب گسترده] و آگاه (از موارد شایسته آن) است. هر کس را بخواهد، ویژه رحمت خود می‌کند و خداوند دارای مواهب عظیم است».

۲. «وَإِن طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنَصْفٌ مَّا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ الزَّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۲۳۷): «و اگر آنان را، پیش از آنکه با آن‌ها تماس بگیری و (آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، درحالی‌که مهری برای آن‌ها تعیین کرده‌اید، (لازم است) نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آن‌ها بدهید)؛ مگر اینکه آن‌ها (حق خود را) ببخشند، یا در صورتی‌که صغیر و سفیه باشند، ولی آن‌ها یعنی آن کس که گره ازدواج به‌دست اوست، آن را ببخشد و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آن‌ها) به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست».

۳. «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّا بَعَدَ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا وَمَنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۵۲): «خداوند وعده خود را به شما (درباره پیروزی بر دشمن در احد) تحقق بخشید؛ در آن هنگام (که در آغاز جنگ) دشمنان را به فرمان او به قتل می‌رساندید (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید و (بر سر رها کردن سنگرها) در کار خود به نزاع پرداختید؛ و بعد از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید. بعضی از شما خواهان دنیا بودند و بعضی خواهان آخرت. سپس خداوند شما را از آنان منصرف ساخت (و پیروزی شما به شکست انجامید) تا شما را آزمایش کند و او شما را ببخشد و خداوند نسبت به مؤمنان، فضل و بخشش دارد».

باشند.<sup>۱</sup> همچنین، به دنبال فضل الهی بودن باعث می‌شود در تمدن انبیا میان مردم انصاف حکمفرما باشد،<sup>۲</sup> یتیم مورد قهر و اموالش مورد تعرض واقع نشود و شهادت به عدل داده شود.<sup>۳</sup> عدالت را به پا داشتن و خدا را در شهادت دادن بر منافع خود، پدر و مادر و خویشاوندان، چه غنی باشند چه فقیر، اولی دانستن تنها با این ویژگی قابل پیاده کردن در اجتماع است.<sup>۴</sup> در تمدن انبیا حتی نباید به خاطر دشمنی کسی عدالت را زیر پا گذاشت.

۱. «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَد جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ فَمَا بِهِمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران: ۱۷۳): «این‌ها کسانی بودند که (بعضی از) مردم به آنان گفتند: مردم [= لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند؛ از آن‌ها بترسید! اما این سخن، بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست»؛ «فَاتَّقِبُوا نِعْمَةً مِنَ اللَّهِ وَفَضْلًا لَمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ وَاتَّبِعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» (آل عمران: ۱۷۴): به همین جهت، آن‌ها (از این میدان)، با نعمت و فضل پروردگارشان بازگشتند؛ درحالی‌که هیچ ناراحتی به آنان نرسید و از رضای خدا پیروی کردند و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است.»

۲. «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام: ۱۵۲): «و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح) نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق پیمانانه و وزن را به عدالت ادا کنید! هیچ‌کس را، جز به مقدار توانایی‌اش تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت کنید، حتی اگر درمورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا متذکر شوید!».

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ آرَيْتُمْ لَنَا نَشْرَتِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآتِمِينَ» (مائده: ۱۰۶): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبید؛ یا اگر مسافرت کردید و مصیبت مرگ شما فرا رسید (و در آنجا مسلمانی نیافتید)، دو نفر از غیر خودتان را به گواهی بطلبید، و اگر به هنگام ادای شهادت، در صدق آن‌ها شک کردید، آن‌ها را بعد از نماز نگاه می‌دارید تا سوگند یاد کنند که ما حاضر نیستیم حق را به چیزی بفروشیم، هرچند درمورد خویشاوندان ما باشد! و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم، که از گناهکاران خواهیم بود!».

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرَضُوا فإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء: ۱۳۵): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً به عدالت قیام کنید! برای خدا شهادت دهید، اگرچه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چراکه) اگر آن‌ها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزوارتر است که از آنان حمایت کند؛ بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن اعراض کنید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

قرآن کریم می‌فرماید دشمنی گروهی شما را وادار نکند که عدالت را رعایت نکنید، بلکه عدالت را پیشه سازید و بدانید عدالت به تقوا نزدیک‌تر است.<sup>۱</sup> انفاق در تنگدستی و گشایش، فروبردن خشم، عفو و گذشت و احسان<sup>۲</sup> همه از ثمرات فضیلت‌طلبی است. یکی از فضیلت‌ها وفای به عهد است که در سطوح مختلف جامعه، از خانواده گرفته تا روابط پیچیده‌تر انسان‌ها در جامعه تا برسد به رابطه امام و مأموم، مورد تأکید قرار گرفته و یکی از پایه‌های مهم و از سرمایه‌های اجتماعی انبیاست. وفای به عهد الهی، وفای به بیعت با امام و رهبر جامعه و هر گونه عهد و پیمان از سنت‌های اجتماعی انبیاست. امیرالمؤمنین علی<sup>۳</sup> درباره حق امام نسبت به رعیت می‌فرماید: «اما حق من بر شما عبارت است از وفا به بیعت و خیرخواهی در حضور و غیبت».<sup>۳</sup> امیرالمؤمنین<sup>۴</sup> وفا را با راستی توأم می‌داند و می‌فرماید هیچ سپری را حفظ‌کننده‌تر از آن نمی‌دانم و کسی که علم به چگونگی بازگشت (در روز قیامت) دارد خیانت نمی‌کند.<sup>۴</sup> درباره وفاداری انسان نسبت به آنچه با خدا عهد می‌کند در دعا می‌فرماید: «خدایا بخش برای من آنچه نزد خود عهد کردم، ولی تو وفای به آن را نزد من نیافتی».<sup>۵</sup> همچنین، می‌فرماید: از راه وفا عهدت را حفظ کن و با امانتداری ذمه‌ات را رعایت کن و خود را سپر آنچه می‌بخشی قرار ده و با اینکه مردم در امور بسیار اختلاف دارند، ولی در میان واجب‌های الهی هیچ چیز مانند وفای به عهد موردبزرگداشت همگان قرار ندارد؛<sup>۶</sup> درعین حال، امیرالمؤمنین<sup>۷</sup>

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مانند: ۸): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید با خیر است!».

۲. «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۴): «همان‌ها که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از خطای مردم درمی‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد».

۳. «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ: فَأَلِّفُوا بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ» (نهج البلاغه: خطبه ۳۴).

۴. «إِنَّ الْوَفَاءَ تَوَاقُّمُ الصَّدَقِ وَلَا أَعْلَمُ جَنَّةً أَوْقَىٰ مِنْهُ، وَمَا يَغْدُرُ مِنْ عِلْمٍ كَيْفَ الْمَرْجِعِ» (نهج البلاغه: خطبه ۴۱).

۵. «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا وَآيْتٌ مِنْ نَفْسِي وَلَمْ تَجِدْ لَهُ وِفَاءً عِنْدِي» (نهج البلاغه: خطبه ۷۸).

۶. «فَحُطِّ عَهْدُكَ بِالْوَفَاءِ، وَأَرَعَ ذِمَّتَكَ بِالْأَمَانَةِ، وَأَجْعَلَ نَفْسَكَ جَنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيتَ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا، مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَانِهِمْ وَتَشْتَتِ آرَائِهِمْ، مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

وفای به عهد را در صورت پیمان شکنی طرف مقابل منفی قلمداد می کنند و می فرمایند: «وفاداری در برابر اهل خیانت نزد خدا خیانت و خیانت به اهل خیانت نزد خدا و فاست.<sup>۱</sup> در برابر سنت هدایت انسان ها، طاغوتیان سنت گمراه کردن را به کار می بردند؛ قرآن کریم یکی از سنن اجتماعی طاغوتیان از جمله فرعون را گمراه کردن و عدم هدایت می داند. علت گمراه کردن این است که به منظور حفظ سلطه خود به لذت های زودگذر مادی دامن زنند و سرخوشی کاذبی فراهم آورند. این کار درحقیقت گمراه کردن مردم است؛ زیرا به دنبال آن عاقبت شومی در انتظار مردم خواهد بود. در تاریخ مبارزه موسی با فرعون هنگامی که مردم توسط فرعون تعقیب شدند و به نیل رسیدند، گمان کردند که این آخر کار آنهاست؛ درحالی که خدای متعال اراده کرده بود قوم موسی را نجات دهد و فرعونیان را غرق کند. هنگامی که موسی عصای خود را به امر الهی به آب دریا زد، دریا شکافته شد و بنی اسرائیل از آن عبور کردند، ولی وقتی فرعونیان وارد تنگه شدند، به امر الهی آب ها برگشت و آنها غرق شدند. بعد از نقل این واقعه خدای متعال می فرماید: فرعون قوم خود را گمراه کرد و هدایت نکرد (طه: ۷۹). به این ترتیب، قرآن کریم سرنوشت گمراهی مردمی که در سرمستی و لذت ها غرق بودند ترسیم می کند. از شاخه های سنت گمراه کردن یکی دعوت به پرستش و اطاعت از طاغوت است و دیگری فساد و تبهکاری؛ در مورد دعوت به اطاعت و پرستش طاغوت، خدای متعال می فرماید: «اولیای کافران طاغوت ها هستند که همواره آنان را از روشنایی به سوی تاریکی ها خارج می سازند»؛<sup>۲</sup> همچنین، می فرماید: «فرعون قوم خود را به اطاعت و پرستش خود می خواند».<sup>۳</sup>

درباره فساد و تبهکاری طاغوتیان آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که به

۱. «الْوَقَاءُ لَأَهْلِ النَّعْدَرِ، غَدْرٌ عِنْدَ اللَّهِ؛ وَالْغَدْرُ بِأَهْلِ النَّعْدَرِ، وَقَاءٌ عِنْدَ اللَّهِ» (نهج البلاغه: حکمت ۲۵۹).

۲. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵۷): «کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوت ها هستند که آنها را از نور به سوی ظلمت ها بیرون می برند؛ آنها اهل آتش اند و همیشه در آن خواهند ماند».

۳. «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي...» (قصص: ۳۸): «فرعون گفت: ای جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم».



نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم. خدای متعال در سوره فجر ذکر امت‌هایی را می‌فرماید که شکوه تمدنی داشتند، ولی گرفتار عذاب الهی شدند. علت اصلی آن فساد بسیار بر روی زمین و در شهرها بود.<sup>۱</sup>

در سوره واقعه، خداوند متعال انسان‌ها را سه دسته می‌کند: یاران دست راست (اصحاب یمن)، یاران دست چپ (اصحاب شمال)<sup>۲</sup> و سبقت‌گیرندگان (سابقین). ویژگی یاران دست چپ را انکار آخرت و قیامت و انجام کارهای خلاف بزرگ به منظور لذت‌طلبی می‌داند. این ویژگی امروز هم در تمدن غرب خود را با عنوان آزادی‌های فردی نشان می‌دهد. در حالی که سردمداران کشورهای غربی و سرمایه داران صاحب نفوذ با نیت سلطه بر انسان‌ها و منابع مادی دنیا به لذت‌طلبی‌های توأم با فساد دامن می‌زنند. آن‌ها می‌خواهند از این رهگذر انسان‌ها را در بی‌خبری نگاه دارند، ولی همان‌گونه که قرآن کریم در مورد فرعون می‌فرماید، اگر عاقبت آن‌ها را ملاک قرار دهیم می‌بینیم که مستکبران قوم خود را هدایت نکرده بلکه آن‌ها را گمراه کرده‌اند.<sup>۳</sup> همچنین، خدای متعال درباره فرعون و آن‌ها که پیش از او بودند و تهمت‌زنندگان (مؤتفکات) می‌فرماید آن‌ها خطاهای بزرگ مرتکب می‌شدند.

۱. «وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ. فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» (فجر: ۱۰-۱۳): «فرعون که قدرتمند و شکنجه‌گر بود، همان اقوامی که در شهرها طغیان کردند و فساد فراوان در آن‌ها به‌بار آوردند؛ به همین سبب خداوند تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت».

۲. نام‌گذاری یاران دست چپ و یاران دست راست به این دلیل است که نامه عمل انسان‌های باایمان و نیک‌کردار به دست راست آن‌ها و نامه عمل کافران و بدکاران به دست چپ آن‌ها داده می‌شود. این تقسیم‌بندی ارتباطی به اصطلاح سیاسی چپی و راستی ندارد.

۳. «وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ، فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ، وَظِلٍّ مِنْ يَحُمُومٍ، لَا بَارِدَ وَلَا كَرِيمٍ، إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ، وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ، وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَأَنْتَ لَمَبْعُوثُونَ، أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ، قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَعْلُومٍ» (واقعه: ۴۱-۵۰): «و یاران دست چپ و چیست یاران دست چپ! آن‌ها در بادهای مسموم و داغ هستند و سایه‌ای از دود که خنک و گرمی نیست، به‌راستی آنان قبل از آن خوشگذران بودند و بر گناهان بزرگ اصرار داشتند و می‌گفتند آیا وقتی که مردیم و خاک بودیم و استخوان آیا ما برانگیخته می‌شویم؟ آیا پدران اولیه ما نیز؟ بگو به‌راستی اولین و آخرین در روز معلومی برانگیخته می‌شوند».

از دیدگاه قرآن کریم مهلت دادن به مجرمان و گشایش‌های مادی که باعث سرمستی آنان و غرق شدن در لذت‌ها و بی‌خبری بیشتر می‌شود یکی از سنت‌های الهی است که املاء و استدراج نامیده می‌شود. املاء یعنی مهلت دادن و استدراج یعنی آن‌ها را در بی‌خبری به سمت عذاب کشاندن. به این ترتیب درهای مادی از همه چیز به روی آن‌ها باز می‌شود تا در شکوفایی اقتصادی و رفاه مادی سرمست شوند؛ ولی این جنبه از رفاه و سرخوشی از دیدگاه قرآن کریم ناپایدار است و موجب عبرت و سرانجام به استدراج و عذاب منتهی می‌شود.<sup>۱</sup> یکی از ویژگی‌های مستکبران امروز نیز دامن زدن به مفاسد با عنوان آزادی‌های فردی است. صنایع بزرگ و پرسود مشروبات الکلی، صنعت پورنو و دیگر جاذبه‌های فاسد میلیاردها دلار به جیب صاحبان آن‌ها سرازیر می‌کنند و مردم را در خلسه شهوات نگاه می‌دارند.

### ۳. عدالت‌گستری در برابر دعوت به ستم

عدالت‌گستری یکی از سنت‌های اصلی انبیای الهی است؛ به گونه‌ای که خدای متعال هدف اصلی بعثت انبیا را برپایی عدالت می‌داند.<sup>۲</sup> عدالت ابعادی در اجتماع دارد که بخشی از آن عدالت در خرید و فروش و اقتصاد<sup>۳</sup> و بخشی عدالت اجتماعی است.<sup>۴</sup>

۱. «فَدَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ، وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ» (قلم: ۴۵-۴۴):

«پس مرا با کسی که این گفتار را تکذیب می‌کند رها کن؛ به زودی آن‌ها را از جایی که نمی‌دانند به تدریج (به سوی عذاب) می‌کشانیم و به آن‌ها مهلت می‌دهیم؛ به راستی حیلۀ من استوار است.»

۲. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵): «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!»

۳. «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (إسراء: ۳۵): «و هنگامی که پیمانۀ می‌کنید، حق پیمانۀ را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید! این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است.»

۴. «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ» (الأعراف: ۲۹): «وایا قوم! اوفوا المکیال و المیزان بالقسط و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تعتوا فی الارض مفسدین» (هود: ۸۵):

قسط و عدل مبنای کارهای خداست<sup>۱</sup> و از بندگان هم همین را خواسته است: اگر دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پرداختند، بین آنها صلح و آشتی برقرار کنید؛ پس اگر یکی بر دیگری ستم کرد با آنکه ستم می‌کند بجنگید تا به امر خدا گردن نهد؛ پس اگر برگشت صلح را با رعایت عدالت بین آنها برقرار کنید و قسط را پیشه کنید، چون خدا قسط‌پیشگان را دوست می‌دارد.<sup>۲</sup> پیامبران هم در هر امتی مبعوث شدند با عدالت بین آنها حکم کردند و آنها مورد ستم واقع نشدند.<sup>۳</sup> یکی از اهداف انبیا و آزمون‌های الهی نصرت خدا و رسولان الهی برای برپا داشتن عدالت در جامعه است.<sup>۴</sup> حتی خدای متعال از تعامل عادلانه با کشورهای غیرمسلمان نهی نکرده، بلکه عدالت‌پیشگان را

«بگو: پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید؛ درحالی‌که دین (خود) را برای او خالص گردانید! (و بدانید) همان‌گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) بازمی‌گردید!».

۱. «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ» (انبیاء: ۴۷): «ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود؛ و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می‌کنیم و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم! «وَلَوْ أَنْ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَفُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس: ۵۴).

۲. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَلَوْا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغْت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبَغَىٰ حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۹): «و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار کنید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد».

۳. «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قَضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس: ۴۷): «برای هر امتی، رسولی است؛ هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، به عدالت در میان آنها داوری می‌شود و ستمی به آنها نخواهد شد».

۴. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ بَنَصْرِهِ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵): «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!».

دوست می‌دارد.<sup>۱</sup> یکی از مظاهر قسط و عدالت در تمدن اسلامی نوشتن اسناد است که وسیله عمل به قسط را فراهم می‌آورد.<sup>۲</sup> انبیای عظام عدالت و قسط را در مبارزه با مستکبران و طاغوت‌ها پیگیری می‌کردند و به همین دلیل است که مبارزه با ستمگران در برنامه‌های انبیا بسیار برجسته است.<sup>۳</sup>

۱. «لَا يَهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (الممتحنة: ۸).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَمْلِكَ هُوَ فَلْيَمْلِكْ لَهُ بِالْعَدْلِ وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبُ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَلَّحُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۸۲): «ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدت‌داری (به‌خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسندگی از روی عدالت (سند را) در میان شما بنویسد! و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن، همان‌طور که خدا به او تعلیم داده، خودداری کند! پس باید بنویسد و آن‌کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند و از خدا که پروردگار اوست بهره‌برد و چیزی را فروگذار ننماید! و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به‌خاطر لال بودن)، توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (به‌جای او) با رعایت عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند)، تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند و شهود نباید به هنگامی که آن‌ها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند، خودداری نمایند! و از نوشتن (بدهی خود)، چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هرچه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به عدالت نزدیک‌تر، و برای شهادت مستقیم‌تر و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفت‌وگو) بهتر است؛ مگر اینکه دادوستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می‌کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را بنویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید، شاهد بگیرید! و نباید به نویسندگی و شاهد (به‌خاطر حق‌گویی)، زبانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند)! و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده‌اید. از خدا بهره‌بردید! و خداوند به شما تعلیم می‌دهد؛ خداوند به همه‌چیز داناست.

۳. «وَكَايِنٌ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۶): «چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آن‌ها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند) و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد.»

خودبزرگ‌بینی، کبر و استکبار از بدترین عیوب، بلکه ساقط‌کننده دانسته شده است به درجه‌ای که علت اصلی رانده‌شدن ابلیس از درگاه خدا استکبار وی شمرده شده است.<sup>۱</sup> استکبار فرعون‌ها را در طول تاریخ وادار به جرم‌های سنگین کرده است.<sup>۲</sup> نازیدن به قدرت بر اثر استکبار علت دچار شدن آنان به عذاب الهی دانسته شده است.<sup>۳</sup> کسانی که خوی استکباری داشتند مؤمنان را ضعیف می‌پنداشتند و از ایمان به پیامبران بازمی‌داشتند<sup>۴</sup> و آن‌ها را به اخراج تهدید می‌کردند مگر آنکه روش آن‌ها را بپذیرند؛ اما مؤمنان در برابر آن‌ها ایستادگی می‌کردند و در مشکلاتی که در این راه برایشان پیش می‌آمد بر خدا توکل می‌کردند و از او یاری می‌جستند.<sup>۵</sup> درحقیقت، استکبار آن‌ها باعث

۱. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴): «(به یاد آورید) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید! آن‌ها همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده‌ای؟!».

۲. «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمُ مُوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأْنَا بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ» (یونس: ۷۵): «بعد از آن‌ها موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اطرافیانش فرستادیم؛ اما آن‌ها تکبر کردند (و زیر بار حق نرفتند؛ چراکه) آن‌ها گروهی مجرم بودند».

۳. «فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» (فصلت: ۱۵): «اما قوم عاد به ناحق در زمین تکبر ورزیدند و گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟! آیا نمی‌دانستند خداوندی که آنان را آفریده از آن‌ها قوی‌تر است؟» و (به‌خاطر این پندار) پیوسته آیات ما را انکار می‌کردند».

۴. «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۷۵): «(ولی) اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند گفتند: آیا (به‌راست) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟! آن‌ها گفتند: ما به آنچه او بدان مأموریت یافته، ایمان آورده‌ایم».

۵. «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ، قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُوذَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ» (اعراف: ۸۸-۸۹): «اشراف زورمند و متکبر از قوم او گفتند: ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد، یا به آیین ما بازگردید! گفت: آیا (می‌خواهید ما را بازگردانید) اگر چه ما میل نباشیم؟! اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته‌ایم؛ و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم مگر اینکه خدایی که پروردگار ماست بخواند؛ علم پروردگار ما به همه‌چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده‌ایم. پروردگار! میان ما و قوم ما به حق داور کن، که تو بهترین داورانی».

سلب آزادی از پیروان انبیا می‌شد؛ اما آن‌ها با استقامت در برابر آن‌ها می‌ایستادند؛ بنابراین، سنت اجتماعی پیامبران نه تنها پرهیز از استکبار، بلکه مخالفت با مستکبران و صف‌آرایی در برابر آنان بود. این صف‌آرایی همچنان تا به امروز ادامه دارد. خدای متعال در برابر ایمان و عمل صالح انسان‌ها وعده اجر کامل و بیشتر از آن به فضل خود و برعکس، به کسانی که سرپیچی و استکبار می‌کنند وعده عذابی دردناک داده است؛<sup>۱</sup> درحالی‌که انبیای الهی مردم را دعوت به عبادت پروردگار و آزادی از یوغ هر انسان مستکبری می‌کردند، مستکبران به دنبال آن بودند که مردم را وادار به اطاعت از خود کنند.<sup>۲</sup> پرستش خدای یگانه و آزادگی و عدم اطاعت هر قدرت دیگر یکی از ویژگی‌های برجسته تمدن انبیا در برابر تمدن‌های مادی است.

فرعون به غیر حق می‌خواست با برجی که در آن زمان تکنولوژی روز را نیاز داشت خدای موسی را نفی کند؛ خدا هم او و لشکریانش را در دریا غرق کرد.<sup>۳</sup> آن‌ها قوت و نیروی نظامی خود را ملاک برتری می‌دانستند؛ درحالی‌که با این ملاک خدای متعال از همه قوتش بالاتر است. سنت مقاومت در برابر مستکبران از همین جا نشئت می‌گیرد. به‌عنوان مثال، وقتی تعداد سربازان کم‌شمار طالوت با لشکریان انبوه جالوت مواجه

۱. «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (نساء: ۱۷۳): «اما آن‌ها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، پاداششان را به‌طور کامل خواهد داد و از فضل و بخشش خود بر آن‌ها خواهد افزود و آن‌ها را که ابا کردند و تکبر ورزیدند، مجازات دردناکی خواهد کرد و برای خود، غیر از خدا، سرپرست و یآوری نخواهند یافت».

۲. «فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ» (مؤمنون: ۴۷): «آن‌ها گفتند: آیا ما به دو انسان همانند خودمان ایمان بیاوریم؛ درحالی‌که قوم آن‌ها بردگان ما هستند؟!»؛ «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أُطْعَمُ إِلَيَّ إِلَهَ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (قصص: ۳۸): «فرعون گفت: ای جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم (اما برای تحقیق بیشتر)، ای هامان، برایم آتشی بر گل بیفروز (و آجرهای محکم بساز) و برای من برج بلندی ترتیب ده تا از خدای موسی خبر گیرم؛ هرچند من گمان می‌کنم او از دروغگویان است».

۳. «... فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أُطْعَمُ إِلَيَّ إِلَهَ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (قصص: ۳۸): «وَأَسْتَكْبِرُ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يَرْجِعُونَ، فَآخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَنَأْتُرُهُمْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (قصص: ۴۰-۳۹).

شدند، ابتدا گفتند ما طاقت رویارویی با او را نداریم؛ امام آن‌ها که ایمان به لقای پروردگار داشتند در مقام دلداری یاران خویش گفتند چه بسا جمعیت کمی که به اذن خدا بر جمعیت بسیاری چیره شدند. پس هنگامی که با جالوت روبه‌رو شدند دست به دعا برداشتند و از خدا صبر و ثبات قدم و نصرت خواستند؛ پس آن‌ها را به اذن خدا شکست دادند.<sup>۱</sup> پایداری در برابر استکبار امروز نیز یکی از ویژگی‌های تمدنی اهل ایمان است.

سنن دیگری را می‌توان به‌عنوان فروع این سنت یا نزدیک به آن دانست مانند خودداری از بغی و ستم.<sup>۲</sup> مردم در ابتدا یک امت بودند، ولی به‌خاطر بغی و ستم بر

۱. «قَلَمَا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ قَلَمَا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أقدامَنَا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْ كُنَّا دَعَفُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»: «و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصوب شد، و) سپاهیان را با خود بیرون برد، به آن‌ها گفت: خداوند، شما را به‌وسیله یک نهر آب آزمایش می‌کند؛ آن‌ها که (به هنگام تشنگی) از آن بنوشند، از من نیستند و آن‌ها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند. جز عده کمی، همگی از آن آب نوشیدند. سپس هنگامی که او و افرادی که با او ایمان آورده بودند (و از بوته آزمایش سالم به در آمدند) از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرات خود ناراحت شدند و عده‌ای) گفتند: امروز، ما توانایی مقابله با (جالوت) و سپاهیان او را نداریم. اما آن‌ها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد و به روز رستخیز، ایمان داشتند گفتند: چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند! و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان است (بقره: ۲۴۹-۲۵۱).

۲. «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره: ۲۱۳): «مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آن‌ها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آن‌ها پیدا شد، در این حال خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به‌سوی حق دعوت می‌کرد، با آن‌ها نازل کرد؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند)؛ تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آن‌ها رسیده بود،

یکدیگر از هم جدا و پراکنده شدند، خدای متعال ضمن محکوم کردن ستمگران به

به‌خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آن‌هایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود (اما افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند؛ «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا»: «کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند (درحقیقت)، تنها آتش می‌خورند و به‌زودی در شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند» (نساء: ۱۰)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» (نساء: ۲۹-۳۰): «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است»؛ «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا»: «خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدی‌ها (ی دیگران) را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ستم واقع شده باشد. خداوند، شنوا و داناست» (نساء: ۱۴۸)؛ «قَدِّلْ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ» (اعراف: ۱۶۲): «اما ستمگران آن‌ها، این سخن (و آن فرمان‌ها) را، بغیر آنچه به آن‌ها گفته شده بود، تغییر دادند؛ از این‌رو، به‌خاطر ستمی که روا می‌داشتند، بلایی از آسمان بر آن‌ها فرستادیم (و مجازاتشان کردیم)»؛ «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فْتَمَسِّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ» (هود: ۱۱۳): «و بر ظالمان تکیه ننمایید که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهد داشت و یاری نمی‌شوید!»؛ «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۱)؛ «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»: «آن‌ها که پس از ستم دیدن در راه خدا هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آن‌ها می‌دهیم و پاداش آخرت، از آن هم بزرگ‌تر است، اگر می‌دانستند!» (الحج: ۳۹)؛ «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»: «همان‌ها که از خانه و شهر خود به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما، خدای یکتاست! و اگر خداوند بعضی از مردم را به‌وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع کنند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است» (الحج: ۴۰)؛ «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (الشعراء: ۲۲۷): «مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند و خدا را بسیار یاد می‌کنند، و به هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع از خویشان (و مؤمنان) برمی‌خیزند (و از شعر در این راه کمک می‌گیرند)؛ آن‌ها که ستم کردند به‌زودی می‌دانند که بازگشتشان به کجاست!».



مظلومان، اجازه می‌دهد که از خود در برابر آنان دفاع کنند. با اینکه بدگویی دیگران مورد نهی است، ولی در مورد مظلوم استثنا شده است. طاغوتیان در برابر انبیا به ظلم و ستمگری می‌پرداختند.

سنت ستمگری و تعدی به حقوق انسان‌ها برای به‌دست‌آوردن سلطه و حفظ آن از سنت‌های جباران و طاغوت‌ها در طول تاریخ بوده است. یکی از سنت‌های اجتماعی فرعون مجازات مخالفان بود، تا جایی که فرعون به «ذوالاوتاد»<sup>۱</sup> یعنی صاحب میخ‌ها لقب گرفت؛ زیرا کسانی را که مخالف می‌پنداشت به میخ می‌کشید و زیر شکنجه می‌کشت. این شکنجه‌ها به دلیل زهر چشم گرفتن از دیگران بود که فکر مخالفت با او را از سر به در کنند. قرآن کریم به دو مورد از مجازات‌های فرعون اشاره می‌کند؛ یکی در مورد ساحرانی است که وقتی معجزه حضرت موسی علیه السلام را دیدند و دانستند از جنس سحر نیست و ایمان آوردند، یک دست و یک پای آن‌ها را برید و از تنه نخل آویخت.<sup>۲</sup> قرآن کریم می‌فرماید وقتی فرعون آن‌ها را تهدید به این‌گونه قتل نمود با روی باز استقبال کردند و گفتند اشکالی ندارد، ما به‌سوی پروردگاران می‌رویم.<sup>۳</sup> به‌این ترتیب، تحت سلطه درآوردن مردم از راه مجازات و شکنجه جزء سنن اجتماعی فرعون محسوب می‌شود. مورد دیگر کشتن آسیه همسر فرعون زیر شکنجه و به میخ کشیدن او بود که قرآن کریم از آن زن قهرمان که به‌خاطر ایمان به حضرت موسی علیه السلام از شهادت استقبال کرد نقل می‌کند که زیر شکنجه با خدا مناجات می‌کرد و می‌گفت خدایا برای من نزد خود خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از

۱. «وَفَرَعُونَ ذِي الْأَوْتَادِ» (فجر: ۱۰): «و فرعونى که قدرتمند و شکنجه‌گر بود».

۲. «قَالَ أَمْنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنِ لَكُمْ إِلَيْهِ لِكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَيْنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى» (طه: ۷۱): «گفت آیا به او ایمان آوردید قبل از آنکه من به شما اجازه دهم؟ به‌راستی او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخت؛ پس قسم می‌خورم دستان و پاهایتان را در جهت خلاف خواهم برید و شما را از تنه‌های نخل خواهم آویخت و خواهید دانست کدام‌یک از ما عذابش شدیدتر و باقی‌تر است».

۳. «قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۵۱-۵۰): «آنان گفتند اشکالی ندارد، به‌راستی ما به‌سوی پروردگاران می‌رویم، به‌راستی ما طمع داریم که پروردگاران خطاهایمان را بر ما ببخشاید، چون اولین ایمان‌آوردگان بودیم».

فرعون و عملش نجات عنایت کن.<sup>۱</sup> متهم کردن ملت‌های تحت ستم که خواهان احقاق حقوق خود هستند مانند فلسطین به تروریسم و حمایت از ظالمان نظیر رژیم صهیونیستی در زمان ما در همین راستا حاکی از ادامه این سنت جباران است.

استکبار وجه غالب و یکی از علل اصلی ظلم است. استکبار از ابلیس آغاز شد که از سجده به آدم به‌خاطر استکبار سرباز زد و از درگاه الهی رانده شد.<sup>۲</sup> قرآن کریم کسانی را که به‌خاطر استکبار خود از پذیرش آیات الهی خودداری می‌کنند ظالم‌ترین افراد می‌داند.<sup>۳</sup>

یکی دیگر از سنت‌های ظالمان امر به قتل است. کشتن انسان‌ها برای ظالمان آسان به‌نظر می‌رسد. اولین قتل بین انسان‌ها نیز با آسان کردن آن نزد خود اتفاق افتاد.<sup>۴</sup> به‌عنوان مثال، هنگامی که موسی و هارون با پیام الهی به‌سوی فرعون و درباریان او رفتند و آیات الهی را به آن‌ها نشان دادند، اطرافیان فرعون گفتند آن‌ها را بکشید.<sup>۵</sup>

۱. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عُنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم: ۱۱): «و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!».

۲. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴): «و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید! همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سرباز زد و تکبر ورزید (و به‌خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد.».

۳. «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ...» (اعراف: ۳۶-۳۷): «و آن‌ها که آیات ما را تکذیب کنند و در برابر آن تکبر ورزند، اهل دوزخ‌اند؛ جاودانه در آن خواهند ماند. چه کسی ستمکارتر است از آن‌ها که بر خدا دروغ می‌بندند، یا آیات او را تکذیب می‌کنند؟!».

۴. «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (مائده: ۳۰): «نفس سرکش، کم‌کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد؛ (سرانجام) او را کشت و از زیانکاران شد.».

۵. «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ. فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» (غافر: ۲۵-۲۳): «ما موسی را با آیات خود و دلیل روشن فرستادیم به‌سوی فرعون و هامان و قارون؛ ولی آن‌ها گفتند: او ساحری بسیار دروغگو است! و هنگامی که حق را از سوی ما برای آن‌ها آورد، گفتند: پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده‌اند بکشید و زنانشان را (برای اسارت و خدمت) زنده بگذارید! اما نقشه کافران جز در گمراهی نیست (و نقش بر آب می‌شود).».

یکی دیگر از سنت‌های فرعی ظلم و ستم در کنار کشتار نسل از بین بردن کشت و زرع است.<sup>۱</sup>

#### ۴. دعوت به فضیلت و آبادگری در برابر فساد و تبهکاری

پرهیز از فساد مادی و معنوی و آبادکردن سرزمین یکی از آموزه‌های اجتماعی و تمدنی انبیاست. فساد روی زمین و نابودکردن کشت و نسل از دیدگاه انبیای الهی محکوم است.<sup>۲</sup> گرچه برای انسان‌ها دوست داشتن خواسته‌ها از زنان و پسران و ثروت‌های هنگفت از طلا و نقره و مرکب‌های قوی و چهارپایان و کشت و زرع زینت داده شده و کالای ضروری زندگی دنیاست؛ اما آنچه نزد خداست آینده‌ای نیک دارد.<sup>۳</sup> قرآن کریم از زبان صالح خطاب به قوم ثمود می‌گوید: ای قوم بندگی خدا کنید، چون خدایی غیر او برای شما نیست؛ اوست که شما را از زمین پدید آورد و از شما خواست آن را آباد کنید؛ پس از او طلب بخشش کنید. سپس به سوی او بازگردید؛ به راستی پروردگار من نزدیک و پاسخ‌دهنده است.<sup>۴</sup>

۱. «وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ . وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵-۲۰۶): «او از مردم، کسانی هستند که گفتار آنان در زندگی دنیا مایهٔ اعجاب تو می‌شود؛ (در ظاهر، اظهار محبت شدید می‌کنند) و خدا را بر آنچه در دل دارند گواه می‌گیرند (این در حالی است که) آنان، سرسخت‌ترین دشمنانند؛ (نشانهٔ آن این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد.»

۲. «وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵): «نشانهٔ آن این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد.»

۳. «زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثَ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ» (آل عمران: ۱۴): «محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) این‌ها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایهٔ زندگی پست (مادی) است؛ و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست.»

۴. «وَإِنِّي ثَمُودٌ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» (هود: ۶۱): «او به سوی قوم ثمود، برادرشان «صالح را (فرستادیم)؛ گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک و اجابت‌کننده (خواسته‌های آن‌ها) است!».

یکی از سنت‌های فرعی این سنت بزرگ شماردن قتل است که قتل یک انسان مساوی با قتل همه انسان‌ها قرار داده شده است؛<sup>۱</sup> اما قتل سنت مستکبران و دشمنان انبیا بوده است.<sup>۲</sup> در اسلام سقط جنین به همین دلیل که قتل نفس است از گناهان بزرگ شمرده شده است.<sup>۳</sup> در همان حال، قصاص<sup>۴</sup> و قتال با ظالمان و مستکبران در حمایت از مستضعفان<sup>۵</sup> و احقاق حق واجب شمرده شده است.

۱. «مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لُمْسِرُونَ» (مائده: ۳۲): «به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی اسرائیل آوردند؛ اما بسیاری از آن‌ها، پس از آن در روی زمین، تعدی و اسراف کردند».

۲. «فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» (غافر: ۲۵): «و هنگامی که حق را از سوی ما برای آن‌ها آورد، گفتند: پسران کسانی را که با موسی ایمان آورده‌اند بکشید و

زنانشان را (برای اسارت و خدمت) زنده بگذارید! اما نقشه کافران جز در گمراهی نیست (و نقش بر آب می‌شود)». ۳. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبِيَعُكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِيَنَّ وَلَا يَقْتُلَنَّ وَأُولَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِيَنَّ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه: ۱۲): «ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتزایی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آن‌ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آموزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است».

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره: ۱۷۸): «ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص درمورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد،

و برده در برابر برده و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود (و حکم قصاص او، تبدیل به خون‌بها گردد)، باید از راه پسندیده پیروی کند (و صاحب خون، حال پرداخت‌کننده دیه را در نظر بگیرد) و او [= قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد (و در آن، مسامحه نکند). این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت».

۵. «وَمَا لَكُمْ لَأْتَأْتُلُون فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵): «چرا در راه خدا و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یآوری برای ما تعیین فرما!».

در تمدن انبیا، امکانات در راه کسب آخرت به کار گرفته می‌شود و نباید در راه فساد روی زمین باشد. نیز فساد روی زمین بر اثر کارهای بد مردم پدید می‌آید.<sup>۱</sup> به همین دلیل، مجازات‌هایی برای مفسدان<sup>۲</sup> و سنت امر به معروف و نهی از منکر برای محافظت از مرزهای ارزشی و هنجارهای اخلاقی و دینی در اسلام قراد داده شده است.<sup>۳</sup> خدای متعال از دو گروه که یکدیگر را یاری می‌کنند یاد کرده و می‌فرماید: «اگر مؤمنین یکدیگر را در راه خدا یاری نکنند، فتنه و فساد بزرگی در زمین ایجاد می‌شود؛ زیرا کافران یکدیگر را در کفر یاری می‌کنند».<sup>۴</sup> مفسدان نیز گاه در تبلیغات سوء خود مصلحان را به فساد روی زمین متهم می‌کنند.<sup>۵</sup> با اینکه تمدن‌های مادی بنا شده بر ظلم و ستم و فساد باشکوه بود، تاریخ شاهد افول آن‌ها بوده است.<sup>۶</sup>

۱. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم: ۴۱): «فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (به‌سوی حق) بازگردند!».

۲. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۳۳).

۳. «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ» (هود: ۱۱۶).

۴. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» (أنفال: ۷۳): «کسانی که کافر شدند، اولیای (و یاوران و مدافعان) یکدیگرند؛ اگر (این دستور را) انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می‌دهد».

۵. «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ» (غافر: ۲۶): «و فرعون گفت: بگذارید موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)! زیرا من می‌ترسم که آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد بر پا کند».

۶. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۱۰۹)؛ «حتیٰ إذا استتیس الرسل و ظنوا أنهم قد كذبوا جاءهم نصرنا فنجی من نشاء و لا یرد بأسنا عن القوم المجرمین» (یوسف: ۱۱۰): «(پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آن‌ها به مخالفت خود همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که رسولان مأیوس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است؛ در این هنگام، یاری ما به سراغ آن‌ها آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی‌شود!».

لازمه سنت پرهیز از فساد در زمین پرداختن به آبادانی زمین است که می‌توان آن را نزدیک‌ترین مفهوم به تمدن به حساب آورد. به گفته کری فریس<sup>۱</sup> و جیل استین<sup>۲</sup>، ابن‌خلدون، اندیشمند غیرغربی که در شمال آفریقا در قرن چهاردهم میلادی زندگی می‌کرد، درباره مفاهیمی مانند همبستگی اجتماعی<sup>۳</sup> یا «العصبیه»<sup>۴</sup> ۵۰۰ سال قبل از دورکیم و شکل‌دهی زندگی افراد توسط نیروهای بزرگ‌تر اجتماعی و تاریخی، ۶۰۰ سال قبل از میل<sup>۵</sup> با عنوان «ارتباط زندگی‌نامه و تاریخ»<sup>۵</sup>، علم جامعه‌شناسی را به‌عنوان رشته «علم عمران» یا «علم تمدن»<sup>۶</sup> پایه‌گذاری کرد (۲۰۱۰: ص ۳۸). این تعریف، تمدن را به واژه «عمران» یا «آبادگری» مرتبط می‌کند. گرچه آبادگری از دیدگاه قرآن کریم با آبادگری از دیدگاه مادی متفاوت و اعم از آن است، ولی آبادگری را از انسان‌ها خواسته است.<sup>۷</sup>

### تمدن نوین اسلامی

قرآن کریم درباره آینده تمدن بشر اظهارنظر کرده و عاقبت را از آن متقین دانسته است؛ یعنی تمدن کامل و الهی خالص را مؤمنان در سراسر دنیا برپا خواهند کرد و این وعده‌ای است که خدای متعال به بشر داده است. اطاعت خدای متعال، که بخش بزرگی از آن در اجرای سنت‌های تمدن‌آفرین انبیا تجلی می‌کند، سرانجام باعث پیروزی حق بر باطل و برپایی تمدن همه‌جانبه و فراگیر الهی در جهان یا تمدن نوین اسلامی می‌شود. همه

1. Kerry Ferris
2. Jill Stein
3. social cohesion
4. Mill
5. the intersection of biography and history.
6. the science of civilization.

۷. «وإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» (هود: ۶۱): «او به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید که پروردگارتان (به بندگان خود) نزدیک و اجابت‌کننده (خواسته‌های آن‌ها) است!».

ظلم‌ها، فسادها و جهالت‌ها در نهایت از بین خواهند رفت و جای خود را به عدالت و تقوا و پاکی و فضیلت خواهند داد. بعد از اینکه خدای متعال در قرآن کریم داستان هلاکت اقوامی از منکران، مفسدان و مکذبان را برای پیامبر خدا نقل می‌کند، می‌فرماید: «پس صبر کن، زیرا عاقبت از آن اهل تقواست».<sup>۱</sup> در جای دیگری می‌فرماید: «آیا در زمین سیاحت نمی‌کنند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها بودند چگونه بود و بی‌تردید خانهٔ آخرت برای اهل تقوا بهتر است؛ پس آیا عقل خود را به کار نمی‌گیرید؟»<sup>۲</sup>

مهم‌تر از همه، وعدهٔ صریحی است که خدای متعال به بندگان مؤمن و صالحان می‌دهد: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت، و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان‌اند».<sup>۳</sup> «این‌ها کسانی هستند که اگر روی زمین امکان بیابند، نماز را به پا می‌دارند، زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت امور برای خداست».<sup>۴</sup>

۱. «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (هود):

۴۹): «این‌ها از خبرهای غیب است که به تو (ای پیامبر) وحی می‌کنیم؛ نه تو و نه قومت این‌ها را پیش از این نمی‌دانستید! بنابراین، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است!».

۲. «... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (یوسف: ۱۰۹): «آیا (مخالفتان دعوت تو) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزکاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید؟!».

۳. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)؛ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵).

۴ «الَّذِينَ إِِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱): «همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و

امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همهٔ کارها از آن خداست!».

این فرایند براساس سنن الهی<sup>۱</sup> و با زحمت و تلاش فراوان حاصل می‌شود؛ به‌عنوان مثال، حضرت موسی علیه السلام خطاب به قومش فرمود: «از خدا یاری بخواهید و صبر پیشه کنید، زیرا زمین از آن خداست و آن را به ارث به کسی که می‌خواهد از بندگانش خواهد داد و عاقبت از آن اهل تقواست»<sup>۲</sup>. خداوند همچنین وعده می‌دهد که امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین کند تا ببیند شما چگونه عمل خواهید کرد.<sup>۳</sup> در آیه دیگری تصریح می‌کند که هیچ چیز نه در آسمان‌ها و نه در زمین نمی‌تواند خدا را ناتوان سازد.<sup>۴</sup> در جای دیگر، با اشاره به کثرت عدد طاغوتیان و نیرو و توان و آثار آن‌ها بر روی زمین می‌فرماید: «آنچه به‌دست آوردند آن‌ها را بی‌نیاز نکرد».<sup>۵</sup> در جای دیگری می‌فرماید: «برای آن‌ها که حق را انکار می‌کنند نظیر آن سرنوشت خواهد بود».<sup>۶</sup>

۱. «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران: ۱۳۷): «پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت (و هر قوم، طبق اعمال و صفات خود، سرنوشت‌هایی داشتند؛ که شما نیز، همانند آن را دارید)؛ پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟!».
۲. «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸): «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جویید و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است!».
۳. «قَالُوا أَوْزَيْنَا مِنْ قَبْلُ أَنْ تَأْتِنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ...» (اعراف: ۱۲۹): «گفتند: پیش از آنکه به‌سوی ما بیایی آزار دیدیم، (هم‌اکنون) پس از آمدن نیز آزار می‌بینیم! (کی این آزارها سر خواهد آمد؟)؛ گفت: امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را در زمین جانشین (آن‌ها) سازد و بنگرد چگونه عمل می‌کنید!».
۴. «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا» (فاطر: ۴۴): «آیا آنان در زمین نگشتند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چگونه بود؟! همان‌ها که از اینان قوی‌تر (و نیرومندتر) بودند؛ نه چیزی در آسمان‌ها و نه چیزی در زمین از حوزه قدرت او بیرون نخواهد رفت؛ او دانا و تواناست!».
۵. «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (غافر: ۸۲): «آیا روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن‌ها بودند چه شد؟! همان‌ها که نفرتشان از این‌ها بیشتر و نیرو و آثارشان در زمین فزون‌تر بود؛ اما هرگز آنچه را به‌دست می‌آوردند نتوانست آن‌ها را بی‌نیاز کند (و عذاب الهی را از آنان دور کند)!».
۶. «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهُمْ» (محمد: ۱۰): «آیا



اما با توجه به اینکه اراده الهی بر این تعلق گرفته که انسان‌ها با اختیار خود این راه را هموار کنند، این امر از راه تعاون و همکاری برای برپایی تمدن نوین اسلامی میسر خواهد شد. یاری یکدیگر به شکل جمعی در راه حق یکی از شاخصه‌های تمدنی انبیاست. از این راه، تشکل‌هایی با اهداف الهی شکل می‌گیرد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «با یکدیگر در مسیر نیکی و تقوا همیاری کنید و در مسیر گناه و دشمنی همکاری نکنید».<sup>۱</sup> این مسئله باعث پدید آمدن نهادهای خیر در جامعه می‌شود. به این ترتیب، با خدمت به هموعان و در مسیر آبادانی سرزمین و رفع گرفتاری‌های جامعه، گام‌های مؤثری برداشته خواهد شد. از جمله این جمعیت‌ها جمعیت هم‌هدفی است که برای امر به معروف و نهی از منکر تشکیل می‌شود، خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «باید از میان شما گروهی هم‌هدف و امتی که دعوت به خیر کنند و از بدی‌ها نهی کنند وجود داشته باشد؛ این جمعیت حتماً به اهداف خود خواهند رسید».<sup>۲</sup> این همیاری برای برپایی، معروف ممکن است در سطح ملی و یا سطح جهانی مطرح شود. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «شما بهترین امتی

در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! خداوند آن‌ها را هلاک کرد و برای کافران امثال این مجازات‌ها خواهد بود»؛ «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (روم: ۹). «آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آن‌ها نیرومندتر از اینان بودند و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آن‌ها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آن‌ها به خودشان ستم می‌کردند»؛ «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (غافر: ۲۱). «آیا آن‌ها روی زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟! آن‌ها در قدرت و ایجاد آثار مهم در زمین از این‌ها برتر بودند؛ ولی خداوند ایشان را به گناهانشان گرفت، و در برابر عذاب او مدافعی نداشتند».

۱. «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده: ۲). «همواره در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است».

۲. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴). «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگاران‌اند».

بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان آورند، برای آن‌ها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آن‌ها با ایمان‌اند و بیشتر آن‌ها فاسق‌اند، (و خارج از اطاعت پروردگار)؛<sup>۱</sup> بنابراین، برپایی تمدن نوین اسلامی در گرو امر به معروف و نهی از منکر در سطح کشور اسلامی، ملت‌های مسلمان و در سطح جهان خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که انبیا در برابر سنت خوارشمردن از سوی طاغوت‌ها، سنت اکرام انسان‌ها، در برابر سنت گمراه کردن از راه دعوت به پرستش طاغوت و تبه‌کاری، سنت هدایت از راه دعوت به اطاعت از خدا و فضیلت‌طلبی، در برابر سنت ستمگری و استکبار، سنت عدالت‌گستری از راه مبارزه با استکبار و بازداري از ستم و در برابر سنت فساد در زمین از راه خونریزی و نابودی کشت و زرع، آبادگری و تمدن‌سازی را پایه‌گذاری و پیگیری کردند. مؤلفه‌های سنن اجتماعی تمدن مادی و تمدن الهی در جدول ۱ با هم مقایسه شده‌اند.

جدول ۱. مؤلفه‌های سنن اجتماعی تمدن مادی در مقایسه با سنن اجتماعی تمدن الهی

سنن اجتماعی تمدن‌ساز انبیا	سنن اجتماعی طاغوتیان
اکرام انسان‌ها	خوارشمردن انسان‌ها
هدایت‌گری	گمراه کردن
دعوت به اطاعت و پرستش خدا	دعوت به اطاعت و پرستش طاغوت
فضیلت‌طلبی	فساد و تبه‌کاری
عدالت‌گستری	ستمگری
مخالفت با کبر	استکبار
بازداری از ستم	دعوت به ستم
آبادگری	فساد در زمین
بزرگ شمردن قتل	قتل و خونریزی
کشاورزی و تولید	نابود کردن کشاورزی

۱. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰).

طبق وعده قرآن کریم، این دو دسته از سنت‌ها همچنان در جامعه انسانی نقش‌آفرینی می‌کنند تا سرانجام به دست صالحان زمین، تمدن نوین اسلامی به دست منجی بشریت مهدی موعود عجل الله فرجه تشکیل و عدل و داد در سراسر جهان سایه‌گستر شود. وظیفه آحاد امت اسلامی آن است که با بهره‌گیری از سنت‌های اجتماعی انبیا، زمینه این ظهور را فراهم آورند.

## کتابنامه

۱. القرآن الکریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه.
۳. امام خمینی، سید روح الله. *صحیفه نور*. جلد ۵. قابل دسترسی در پایگاه:  
<https://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=58950&vn=5&gpn=204>.
۴. بهروزی لک، غلامرضا. ۱۳۹۷. «استلزامات نظریه ماهیت استرشادی فطری زندگی اجتماعی در تمدن سازی اسلامی». *مجموعه مقالات نخستین هفته علمی تمدن نوین اسلامی*. جلد اول: ماهیت، مبانی و مؤلفه های تمدن نوین اسلامی. شرکت چاپ و انتشارات، سازمان اوقاف و امور خیریه.
۵. ذوعلم، علی. ۱۳۹۷. «بنیان های اساسی تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه آیت الله العظمی خامنه ای». *مجموعه مقالات دومین هفته علمی تمدن نوین اسلامی*. جلد دوم: مبانی نظری تمدن نوین اسلامی. شرکت چاپ و انتشارات، سازمان اوقاف و امور خیریه.
۶. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۰. *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*. قم: انتشارات امام خمینی ره. چاپ اول.
۷. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۸۰. *ترجمه قرآن کریم*. تحقیق و تصحیح هیئت علمی دارالقرآن الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. محمدرضا انصاری و دیگران. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۸. مولوی، محمد. ۱۳۹۷. «تأثیر گرایش اجتماعی در تفاسیر قرآن بر شکل گیری و شکوفایی تمدن نوین اسلامی». *مجموعه مقالات دومین هفته علمی تمدن نوین اسلامی*. جلد دوم: مبانی نظری تمدن نوین اسلامی. شرکت چاپ و انتشارات، سازمان اوقاف و امور خیریه.
9. Ferris, Kerry & Stein, Jill. 2010. **The Real World\_ An Introduction to Sociology**. Second Edition. W. W. Norton & Company.
10. Nucci, Larry. etal. 2014. **Handbook of Moral and Character Education**. Routledge. Taylor & Francis Group. New York & London.
11. Rothkopf, David. 2009. *Superclass\_ The Global Power Elite and the World They Are Making*. Farrar, Straus and Giroux.
12. Stearns, Peter N. 2003. *Themes in world history -Western Civilization in World History*. Routledge.
13. <https://farsi.khamenei.ir/audio-index?year=1383>